



اصولی که باید در هنگام قرارداد با اتباع خارجی از آن مطلع باشید

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد...

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون است؛ است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع آشنایی با حاکم بر تجارت بین الملل را بررسی کنیم. وقتی قراردادی در ایران و بین ایرانیان منعقد می شود، اصل بر این است که قانون حاکم بر روابط طرفین، قانون ایران و دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلافات احتمالی آنها دادگاه ایرانی است. اما هنگامی که طرف قرارداد، خارجی بوده و محل انعقاد نیز خارج از ایران است و قسمت هایی از قرارداد نیز باید بیرون از مرزهای ایران اجرا شود، قضیه پیچیده می شود. قراردادهایی که با خارجیان و در محدوده قواعد و قوانین تجارت بین الملل منعقد می شود، از بسیاری جهات با قراردادهای داخلی تفاوت دارند و به همین دلیل مقوله تنظیم قراردادهای خارجی، موضوعی است که باید جدا از قراردادهای داخلی بررسی شود.

استفاده از مشاوران و مترجمان در عقد قراردادهای خارجی چند مسأله تعیین کننده وجود دارد: اولاً زبان قرارداد؛ زبان قرارداد معمولاً انگلیسی است. بنابراین در زمان عقد قرارداد از جهت تفهیم و تفهم مادی بین طرفین، نباید هیچ ابهام و اشکالی وجود داشته باشد. این حالت وقتی وجود خواهد داشت که طرفین به زبان انگلیسی یا هر زبان خارجی دیگری که در قرارداد به کار خواهد رفت، مسلط باشند یا از مترجم ورزیده ای استفاده کنند. ثانیاً زبان حقوقی قرارداد؛ در قراردادهای اصطلاحات و عناوین خاصی به کار می رود که در آنها، معانی متداول زبان مورد نظر نیست. مثلاً در زبان محاوره ای، عامه مردم و حتی خواصی که با حقوق سروکار ندارند، تفاوتی بین فسخ و بطلان، اذن و اجازه، عقد و ایقاع و... قائل نیستند. این عدم اطلاع در مواردی که یک متن غیرفارسی مطرح باشد، اهمیت بیشتری پیدا می کند. به عبارات و اصطلاحات لاتین در متون حقوقی خارجی، این مشکل را پیچیده تر می کند. تنها راه چاره، استفاده از کسی است که با این عبارات و اصطلاحات آشنا و از عمق معانی آنها آگاه باشد. بنابراین در عقد قراردادهای خارجی باید با کسانی مشورت کرد که حقوقدان و آشنا به نظام های حقوقی خارجی و اهل اصطلاح باشند. همچنین ممکن است به کسانی دسترسی پیدا کنیم که قادر به ایفای هر دو نقش مترجم و متخصص حقوق خارجی باشند. این حالت مطلوب ترین حالت موجود است. ثالثاً استفاده از مشاوره افراد مسلط به مسایل مربوط به موضوع قرارداد؛ در عقد قرارداد خارجی علاوه بر موارد پیش گفته باید از مشاوره افراد متخصص مسلط به مسایل مربوط به موضوع قرارداد نیز استفاده کرد. این متخصصان باید از آخرین تحولات علمی و فنی در رشته مورد نظر آگاه باشند و به خصوص در خصوص موضوع قرارداد که در آن فعالیت دارند، اطلاعات دقیق و کاملی داشته باشند تا از طریق آنها بتوان از رقابت احتمالی صاحبان رشته مورد نظر، استفاده حداکثری کرد.

علامت اختصاری در قراردادهای خارجی، اعم از اینکه به طور موردی منعقد شوند یا قراردادهای یکنواخت (یا به اصطلاح قراردادهای تپ) باشند، از علامات اختصاری بسیار استفاده می شود. این علامت اختصاری ممکن است فقط حاوی یک مفهوم باشند. این علامات اختصاری به ویژه در قراردادهای حمل و نقل به فراوانی به کار می رود و در بیع بین المللی (از طریق اعتبارات اسنادی) نیز بسیار متداول است. ممکن است این علامات اختصاری متضمن مفهوم وسیع و تری نیز باشند و به کار بردن آنها روابط طرفین را مشمول قواعد و ضوابط مجموعه ای از مقررات و قوانین کند. به عنوان مثال، هنگامی که خرید و فروشی به صورت C & F یا FOB یا CIF باشد و این موضوع در قرارداد قید شود، به این مفهوم است که طرفین، کلیه مقررات مربوط به این نوع خاص از معامله را در قواعد بین المللی تجارت یا اینکوترمز قبول کرده اند. بدیهی است هنگامی استفاده از این علامات اختصاری مجاز است که مفهوم دقیق هر یک را بدانیم و برای ما روشن باشد که چه حقوق و وظایفی خواهیم داشت و چه مسئولیت هایی متوجه ما خواهد شد. باید توجه داشته باشیم که عدم درک صحیح مفهوم یکی از این اختصارات، گاه ما را با چند میلیون دلاری دارد؛ بنابراین در برخورد با آنها به هیچ وجه، احساس خجلت از ندانستن جایز نیست بلکه پیش از روشن شدن کامل مفهوم اصطلاح یا علامت اختصاری به کاررفته، باید از امضای قرارداد اکیداً خودداری کرد.

مسأله دادگاه صالح و قانون حاکمه وقتی قراردادی در ایران و بین ایرانیان منعقد می شود، اصل بر این است که قانون حاکم بر روابط طرفین، قانون ایران و دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلافات احتمالی آنها دادگاه ایرانی است اما هنگامی که طرف قرارداد، خارجی بوده و محل انعقاد نیز خارج از ایران است و قسمت هایی از قرارداد نیز باید بیرون از مرزهای ایران اجرا شود، قضیه

پیچیده خواهد شد و مسایل و غوامض ناشی از حقوق بین‌الملل خصوصی و تعارض قوانین رخ خواهد داد. به منظور احتراز از این معضلات باید طرفین، قانون حاکم بر روابط خود و دادگاهی را که برای رسیدن به اختلافات احتمالی آنها صالح است، تعیین و تصریح کنند. بدیهی است در تعیین این موارد ممکن است اشکالات و موانع بسیاری وجود داشته باشد که از دید اشخاص غیرمتخصص پنهان است. در اینجا باز هم لزوم مشورت با متخصصان حقوق بین‌الملل خصوصی و تعارض قوانین مطرح می‌شود؛ که از طریق مشورت با این کارشناسان باید مشکلات ناشی از تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها، با توجه به قوانین ملی طرفین قرارداد و محل وقوع عقد (انعقاد قرارداد) و محل اجرای آن، پیش‌بینی و پیشاپیش حل شود. به هر حال تعیین و تصریح دادگاه صالح و قانون حاکم، مطمئناً از مسکوت گذاردن این مطلب در قرارداد که ممکن است مشکلات بی‌پایان و مسایل لاینحلی را ایجاد و مطرح کند، بهتر است. با توجه به تفاوت ارزش موجود بین پول ما و ارزهای معتبر خارجی و نیز این موضوع که در معاملات خارجی، پرداخت‌ها به صورت ارزی و ارقام نجومی است، اشتباه و کوتاهی در بررسی صلاحیت و هویت طرف معامله به هیچ وجه قابل اغماض نیست زیرا حتی در مواردی که مشکلات ایجاد شده از طریق طرح دعوی کیفری یا حقوقی قابل پیگیری و حل باشد، با توجه به طول مدت رسیدگی و برخورد سیاسی که محاکم و مراجع قضایی خارجی با دعوی ما دارند، حاکمیت در دعوی، همه زیان‌ها، های وارد شده را جبران نمی‌کند. اصل حاکمیت اراده در قراردادها یا اصل آزادی قراردادی و تأثیر آن در تفسیر قراردادها بر اساس ماده 183 قانون مدنی که می‌گوید «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد برابری کنند و مورد قبول آنها باشد»؛ و نیز ماده 191 این قانون، «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند»؛ به خوبی روشن می‌شود که قانونگذار ایران تحقق عقد و قرارداد را نتیجه توافق اراده طرفین آن و به عبارت دیگر قصد انشای آنها دانسته و اصل را در قراردادها، حاکمیت اراده طرفین آن شناخته است. این معنا در ماده 10 قانون مدنی نیز به صراحت بیان شده است که به موجب ماده مزبور «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است». بدیهی است قراردادهایی که مخالف قوانین امری باشد، به موجب این ماده باطل اعلام شده است. قراردادهایی نیز که به طور مشروع منعقد شده باشند، از لحاظ متعاقدين در حکم قانون تلقی می‌شوند. ماده 704 قانون مدنی ایران می‌گوید «هر صلح نافذ است جز صلح بر امری که غیر مشروع باشد». همان‌طور که برخی از حقوقدانان ما اظهار کرده‌اند، اصل حاکمیت اراده قبل از اینکه در قانون مدنی فرانسه در قالب تصویب ماده 1134 آن قانون مطرح شده باشد، از فقه امامیه گرفته شده و اصل حاکمیت اراده در قراردادها که نتیجه آن اصل آزادی قراردادی است، در محدوده مقررات شرعی به رسمیت شناخته شده و هیچ تعهدی بدون اراده افراد قابل تحقق نیست. اما در قانون مدنی ما که متخذ از فقه امامیه است، اصل آزادی قراردادی در عین اینکه محترم شمرده شده، توسط عوامل محدودکننده بی‌کنترل شده و قلمرو آن تا آنجایی است که به آزادی دیگران و همچنین به حقوق اجتماع آسیب‌زننده؛ نرساند. عوامل محدودکننده اصل آزادی قراردادها و جایگاه آنها در تفسیر قراردادها اصل آزادی قراردادها به معنای نامحدود بودن اراده افراد در تنظیم و انعقاد قرارداد و تعیین آثار و شرایط آن نیست. امروزه برخلاف باور و اعتقاد فردگرایان سده نوزدهم که حدی برای آزادی افراد قائل نبودند، هیچ حقوقدانی قائل به آزادی بی‌حد و حصر اراده افراد نیست و قانونگذار برای جلوگیری از هرج و مرج و اختلال در نظام اجتماع و برای حفظ مصالح و ضرورت‌های اجتماعی، ضمن مشروع و محترم شمردن اصل آزادی قراردادی، برای این آزادی اراده حدود و ثغوری قائل شده است که در همان حدود، افراد آزاد هستند آن‌گونه که می‌خواهند به تنظیم و انعقاد قرارداد مبادرت کنند و اصل آزادی اراده دارای اعتبار مطلق نیست. مهمترین عوامل محدودکننده اصل آزادی قراردادها عبارت از قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه است.